

## مطالعه تأثیرات صوری نسخه الحشایش موجود در آستان قدس ( قرن ۶ ) بر تصویرسازی نسخه‌های الحشایش مربوط به دوره صفوی

### چکیده

مقاله پیش رو بخشی از رسالت خود را در معرفی شاخه‌ای از تصویرسازی می‌بیند که امروزه با عنوان تصویرسازی علمی مطرح است، چراکه هم‌زیستی و همراهی علم و هنر از دیرباز جزئی از شاخه‌های پیشرفت هر تمدنی بوده و هست. عصر صفوی به‌عنوان یکی از پیشاهنگان تمدن ایرانی‌اسلامی بی‌شک قدم‌های ارزنده‌ای در حوزه تصویرسازی علمی برداشته است. این پژوهش به تطبیق نسخه‌ای از الحشایش قرن ششم، محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی و سه نسخه الحشایش عهد صفوی، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، موزه کاخ گلستان، موزه سن پترزبورگ، می‌پردازد. مقاله در پی یافتن ارتباط صوری نسخه‌های متعدد الحشایش عهد صفوی و نحوه تداوم سنت‌های تصویری این نسخه‌ها با منبع استنساخ در قرون پیشین است تا از آن طریق سیر تحول در شیوه تصویرسازی علمی در تمدن ایرانی اسلامی را به دقت بررسی کند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تطبیقی است و گردآوری اطلاعات آن با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه مجازی موزه‌ها و کتابخانه‌ها صورت گرفته است. یافته‌های حاصل از پژوهش به شباهت‌های کتابت و تصویرسازی نسخه‌های متعدد عهد صفوی و نسخه ماقبل، در قرن ششم پرداخته است. تصویرسازان نسخه‌های عهد صفوی ضمن تعهد به متن علمی و تصویرسازی‌های نسخه آستان قدس در بسیاری موارد ناآشنا از خلاقیت و برداشت خود از متن کمک گرفته یا تصاویر نسخه آستان قدس را عیناً استنساخ کرده‌اند و در موارد آشنا، مهارت خود را در بازآفرینی محیط اطراف به رخ کشیده و تغییراتی اندک را ایجاد کرده است.

#### ابوذر ناصحی

استادیار، گروه گرافیک و تصویرسازی، دانشکده هنر  
های تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده  
مسئول).

a.nasehi@au.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹-۰۶-۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۲-۱۲

1-DOI: 10.22051/pgr.2021.32823.1075

واژگان کلیدی: الحشایش آستان قدس (قرن ۶)، دیوسکوریدس،  
تصویرسازی علمی، عهد صفوی.

## مقدمه

در تمدن اسلامی مشاهده کرد. هرچند هنرمندان تصویرساز کتاب الحشایش در طول تاریخ، خود را متعهد به متن علمی و کپی برداری از کار پیشینیان خود می دانستند، این محدودیت مانع بروز و ظهور خلاقیت و شیوه شخصی هنرمند نشده است.

توجه مردم در عهد صفوی به مفردات دارویی و پزشکی قدیم و همچنین پیشرفت در حوزه کتاب آرایی و تصویرسازی منجر به فراهم آمدن نسخه های متعدد الحشایش در این دوره شده است. به نظر می رسد نسخه الحشایش مجلس شورای اسلامی که تنها ۱۸ تصویر از آن در دست است، قدیمی ترین نسخه الحشایش در عهد صفوی باشد که از قرن دهم به یادگار مانده است.

نسخه دیگر الحشایش از قرن یازدهم، در موزه کاخ گلستان نگهداری می شود و در کارگاه شهر مشهد و با حمایت منوچهرخان به ثمر رسیده است. این نسخه آخرین نسخه به زبان عربی از ترجمه مهرا بن منصور است که تا به حال یافت شده است. نسخه دیگری به زبان فارسی از الحشایش در موزه سن پترزبورگ نگهداری می شود که قرن دوازدهم در شهر مشهد، ترجمه و تصویرسازی شده است.

مقاله حاضر به بررسی نسخه الحشایش آستان قدس و سه نسخه مرتبط در کتابخانه مجلس، موزه کاخ گلستان و موزه سن پترزبورگ می پردازد که با توجه به نیاز موضوع پژوهش حاضر و همچنین با توجه به وجود تنها ۱۸ صفحه از یکی از نسخه ها (الحشایش مجلس) و کیفیت تصاویر در بقیه نسخه ها، تعداد ۹ نمونه جهت تطبیق، به روش غیر احتمالی و انتخابی برگزیده شده است.

بررسی جایگاه نسخه الحشایش آستان قدس (قرن ششم هـ. ق) در علم گیاه شناسی و جانورشناسی عهد صفوی می تواند هدف کلی این پژوهش باشد. اینکه تصویرسازی های این نسخه چه ویژگی ها و چه تشابه هایی به لحاظ روش هنری و سبک شناسی با نسخه های الحشایش پس از خود دارد، از ویژگی های این تحقیق است. بر این قرار شناسایی منبع استنساخ نسخه های الحشایش موجود در عهد صفوی دیگر هدف این مقاله است تا از طریق بررسی تطبیقی تصاویر، نتایج تحقیق حاصل شود. با توجه به رویکرد کیفی این پژوهش، روش تحلیلی توصیفی بر پایه تحلیل داده ها، برای دستیابی به اهداف و پاسخ به پرسش های پیش رو در این مقاله انتخاب شده است و گردآوری اطلاعات نیز در این پژوهش با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، اسنادی و پایگاه مجازی موزه ها و کتابخانه ها صورت گرفته است.

اگرچه مبدأ گیاه درمانی نامعلوم است، قدر مسلم این است که قدیمی ترین نوشته هایی که درباره استفاده از گیاهان به دست آمده، درباره فواید پزشکی آنها بوده است. در روزگاران گذشته، مردم رابطه ای نزدیک و غریزی با جهان طبیعی داشته اند و نه تنها از نظر مواد غذایی، بلکه برای درمان و تأمین سلامت خود به رستنی ها وابسته بودند. نیاکان ما از طریق فرایندهای طولانی و تاحدودی خطرناک آزمون و خطا، دانش جامعی از کاربرد گیاهان دارویی را جمع آوری کردند و مردمی که غذای خود را از گیاهان و میوه های جنگلی تأمین می کردند، یاد گرفتند که چطور از خواص دارویی گیاهان برای معالجه و همچنین حفاظت مواد غذایی و نوشیدنی های زمستانی خود استفاده کنند. این دانستنی های ارزشمند که نسل به نسل منتقل می شدند، در واقع، عامل بقای نسل بشر و به خصوص جوامعی شدند که در مناطق دورافتاده، زندگی می کردند. استفاده از گیاهان برای درمان بیماری ها در این جوامع یک ضرورت بوده؛ زیرا که خدمات پزشکی و درمانی در دسترس بیشتر خانواده ها نبوده است.

از جمله بنیان گذاران یونانی تأثیرگذار در علم گیاه شناسی و جانورشناسی، پزشک شهیر یونانی دیوسکوریدوس پدانیوس است. وی، پزشک، داروساز و گیاه شناس یونانی زمان نرون است. دیوسکوریدوس در قرن اول میلادی، حدود سال های ۴۰ تا ۹۰ میلادی، جراح ارتش نرون بود. حین سفرهای نظامی به بررسی گیاهان و جانوران برخی مناطق از جمله ایتالیا، یونان، آسیای صغیر، اسپانیا و فرانسه پرداخت و تعداد زیادی از نمونه های معدنی، گیاهی و جانوری را جمع آوری کرد و در هر فرصت ممکن، به تحقیق درباره خواص درمانی نمونه های جمع آوری شده پرداخت و کتابی با عنوان ماتریا مدیکا را به رشته تحریر درآورد که در تمدن اسلامی به الحشایش شهرت یافت.

با ورود منابع علمی غرب از جمله کتاب دیوسکوریدس به تمدن اسلامی، تصویرسازی این متون نیز توجه هنرمندان مسلمان را به خود جلب کرد. کتاب دیوسکوریدس بارها در تمدن اسلامی بازتولید و به دست هنرمندان هر دوره تصویرسازی شده است. از آنجایی که کاتب و تصویرساز کتاب الحشایش در هر دوره برای استنساخ آن به نسخه های متأخرتر کتاب رجوع می کردند، می توان شباهت های صوری بسیاری را در نسخه های الحشایش

## پیشینه تحقیق

بیش از هزار سال استنساخ و تصویرسازی کتاب الحشایش در جهان اسلام، حکایت از پیشینه غنی و وسیع کتاب دیوسکوریدس در غرب و شرق جهان دارد. در این مدت مسلمانان از طریق ترجمه‌های متعدد و فراهم‌آوردن نسخه‌های الحشایش که متن علمی بیشتر آنها با نگاره‌های مرتبط همراه می‌شوند، تأثیر انکارناپذیری از کتاب دیوسکوریدس گرفته‌اند. نگارنده با سفر مطالعاتی به برخی کشورهای اروپایی چون اتریش، سوئیس، فرانسه و آلمان و مکاتبه با برخی از موزه‌ها از جمله موزه آستان قدس، موفق به جمع‌آوری حداقل ۱۵ نسخه الحشایش از اروپا و آسیا شده است. نگارنده در طول مدت حدود ده سال به بررسی جنبه‌های مختلف نسخه‌های جمع‌آوری شده پرداخته و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته است از جمله:

۱. «نسخه الحشایش کاخ گلستان (منوچهرخان) اوج تصویرسازی علمی در تمدن اسلامی»، مجله هنرهای زیبا دانشگاه تهران، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶. در این مقاله بر اهمیت نسخه الحشایش کاخ گلستان از منظر زیبایی‌شناسی پرداخته شده است و مهارت تصویرساز در به تصویرکشیدن گیاهان بررسی شده است، هرچند نیم‌نگاهی به متن علمی کتاب نیز از ویژگی‌های مقاله است؛

۲. «مقایسه تطبیقی تصویرسازی علمی نسخه الحشایش آستان قدس رضوی با نسخه‌های الحشایش پیش از آن»، مجله مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۶. در این مقاله بر ارتباط نسخه الحشایش آستان قدس با نسخه‌های پیش از آن تأکید دارد و تشابهات و تفاوت‌های نسخه یونانی و اسلامی بررسی شده است؛

۳. «مقایسه تطبیقی تصویرسازی علمی نسخه الحشایش آستان قدس رضوی با تصاویر عینی گیاهان دارویی»، مجله نگره (تأییدیه مقاله). بررسی تطبیقی تصویرسازی علمی با نمونه‌های طبیعی گیاهان از اهداف این مقاله است؛

۴. «نگاهی به تصویرسازی علمی نسخه الحشایش آستان قدس رضوی»، همایش نقش خراسان در شکوفایی هنر اسلامی ۱۳۹۴. در این مقاله به بررسی نسخه‌شناسانه الحشایش آستان قدس پرداخته شده است.

۵. «نقش خاندان قرچغای خان در پیشبرد هنرهای مکتوب قرن یازدهم شهر مشهد (بررسی موردی نسخه الحشایش «کاخ گلستان: منوچهرخان»»، در مجله

هنرهای زیبا دانشگاه تهران، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳. در این مقاله به نقش مؤثر خاندان قرچغای خان در توسعه علوم پرداخته و نسخه‌هایی چون الحشایش و صورالکواکب به عنوان نمونه بررسی شده است.

درباره اثر دیوسکوریدس تحقیقات تاریخی و علمی بسیاری در جهان وجود دارد که پژوهشگران ایرانی نیز دستی در آن داشته‌اند. پژوهشگرانی چون محمدتقی دانش‌پژوه (فهرست میکروفیلم‌های بنیاد خاورشناسی لنینگراد)، ایرج افشار (فهرست نویسی کتاب‌های خطی)، هوشنگ اعلم (دانشنامه جهان اسلام و مقدمه فاکسیمیله الحشایش)، غلامعلی عرفانیان (فهرست نویسی کتاب‌های خطی و مقدمه فاکسیمیله الحشایش) و نجیب مایل هروی (نسخه‌شناسی) و بهنام کامرانی (رساله دکتری در زمینه نقاشی گیاهان دارویی) نقش مهمی در شناساندن نسخه‌های الحشایش و علم گیاه‌شناسی در جهان اسلام داشته‌اند. در زمینه ماهیت هنر اسلامی مقاله «نگارگری ایران فراتر از نظریات» در دو فصل نامه علمی پژوهشنامه گرافیک و نقاشی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۷ راه‌گشای این مقاله بوده است. استفاده هم‌زمان از منابع دست اول و دست دوم در کنار تجربه حرفه‌ای و آموزشی نگارنده در حوزه تصویرسازی علمی پشتوانه این پژوهش است.

## سرگذشت کتاب الحشایش در تمدن اسلامی

کتاب الحشایش دیوسکوریدس، از منابع اصلی علم گیاه‌شناسی و جانورشناسی اسلامی است. بسیاری از حکما و دانشمندان اسلامی کتاب الحشایش را به عنوان مرجعی شایسته اعتماد در آثار خود استفاده کرده‌اند. این کتاب بارها در تمدن اسلامی ترجمه و استنساخ شده است. اولین ترجمه از کتاب دیوسکوریدس مربوط به دوران تمدن اسلامی، ترجمه‌ای است که حنین بن اسحاق قبل از سال ۲۵۰ هجری از یونانی به زبان سریانی انجام داده است.

ترجمه مهم و معروف دیگر، یعنی مأخذ ترجمه نسخه الحشایش مشهد (آستان قدس) به دست مهران بن منصور بن مهران انجام شد که هر دو زبان سریانی و عربی را خوب می‌دانست و ترجمه سریانی کتاب را استفاده کرد که حنین بن اسحاق انجام داده بود و آن را در دیار بکر در زمان شاه نجم‌الدین در حدود سال ۵۵۰ هجری قمری به زبان عربی ترجمه کرد (اعلم، ۱۳۸۳: ۲۵).

نخستین کوشش برای ترجمه فارسی کتاب دیوسکوریدس

اینکه چه کسی در انتقال این نسخه اهتمام داشته، بر ما پوشیده است، اما از قرائن تاریخی می‌توان حدس زد که نسخه یادشده در روزگار صفویان از غرب ایران به مشهد منتقل شده است. صفویان به پزشکی و مفردات طبی توجه داشته‌اند. بدیهی است که انتقال نسخه‌هایی چون الحشایش دیسقوریدس به پایتخت یا به دیگر مراکز حکمرانی آنان امری بدیهی است.»

توجه و اهتمام صفویان به اندوخته‌های دانش پزشکی و خواص درمانی گیاهان، سبب استنساخ دست‌کم سه نسخه الحشایش در این دوره شده است. استنساخ نسخه مجلس در قرن دهم و یازدهم، احتمالاً در دوره شاه طهماسب اول، نسخه کاخ گلستان در قرن یازدهم، دوره شاه عباس اول، و نسخه سن‌پترزبورگ در اواخر قرن یازدهم، دوره شاه عباس دوم، از جمله نسخه‌های فراهم‌شده از کتاب الحشایش دیوسکوریدس در عهد صفویه است.

به فرض استنساخ نسخه مجلس در اواخر قرن دهم، می‌توان این نسخه را اولین تجربه صفویان در استنساخ کتاب الحشایش دانست. علاقه شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ هـ.ق) به تصویرگری و هنرهای مکتوب همچنین وجود احتمالی نسخه الحشایش آستان قدس در دربار این پادشاه، چنانچه از وقف‌نامه استنباط می‌شود (شکل ۱)، در کنار میل روزافزون جامعه به دانش مفردات، از علل فراهم‌آمدن این نسخه شاهانه است. شناخت ما از این نسخه فقط بر پایه ۱۸ صفحه باقی‌مانده از آن است. بررسی تطبیقی همین تعداد تصویر با نمونه‌های مشابه در نسخه آستان قدس بر کپی بودن بی‌کم‌وکاست آن از روی نسخه آستان قدس تأکید می‌کند.

به نظر می‌رسد نسخه مجلس جزء دارایی‌های موروثی شاه عباس بوده و او این نسخه و نسخه آستان قدس را به پایتخت جدیدش در اصفهان منتقل کرده است. نگارنده احتمال می‌دهد این دو نسخه یا حداقل نسخه آستان قدس جزء کتاب‌هایی بوده که شاه عباس در سال (۱۰۱۷ هـ.ق) وقف بازگاہ امام رضا (ع) کرده و به‌همراه تعداد زیادی از کتب مذهبی به مشهد فرستاده است.

مایل هروی (همان: ۴۷۳) درباره وقف نسخه آستان قدس چنین می‌گوید: «از وقف‌نامه نسخه مشهد چنین برداشت می‌شود که گویا نسخه مشهد در عهد شاه طهماسب اول به پایتخت صفویه منتقل شده و شاه عباس صفوی آن را در (۱۰۱۷ هـ.ق) وقف «آستان مقدسه رضوی» کرده است و به‌همین منظور برکت ثواب این وقف را متوجه روح شاه طهماسب دانسته است.»

به دست علی‌بن‌الشریف‌الحسینی در سده نهم هجری قمری به انجام رسید که از روی ترجمه عربی مهران‌بن‌منصور و برای امیر رستم کوهدمی، از حاکمان محلی گیلان، در گذشته به ۸۹۳ هجری قمری، به فارسی ترجمه شده است.

ترجمه فارسی دیگری هم، از آن غیاث‌الدین محمد رضوی است که احتمالاً در زمان سلطنت شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ.ق) انجام گرفته است. هوشنگ اعلم درباره کیفیت ترجمه فارسی رضوی چنین می‌گوید: «ترکیبی از عیوب مزبور نسخه اصلی با اشتباهات و خطاهای خود مترجم منتج به ترجمه‌ای شده است، غالباً لفظی و تابع نحو و جمله‌بندی عربی و در بعض موارد بی‌معنی یا گمراه‌کننده.» (اعلم، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۵)

### بررسی ارتباط نسخه آستان قدس با سه نسخه مجلس، کاخ گلستان و سن‌پترزبورگ

الحشایش آستان قدس نسخه‌ای است به قلم نسخ جلی خوش و عناوین موضوعات و اسامی نباتات با ۶۸۰ تصویر رنگین از گیاهان و نباتات و ۲۸۴ تصویر از حیوانات بری و بحری که به‌ندرت در کنار بعضی از تصاویر اسامی آنها به زبان سریانی نیز مسطور است، مشتمل بر ۲۷۲ ورق متن و ۲۵ صفحه قودیکس codex یا فهرست مطالب جمعاً ۲۸۵ برگ به طول ۴۶ و عرض ۲۹ سانتیمتر و غالباً ۱۹ سطری و به لحاظ اینکه چند ورقی از آخر آن ساقط است، نام کاتب و مصور و تاریخ و محل کتابت اگر مذکور بوده، فعلاً نامعلوم است. این نسخه به شماره ۷۰۵۹ در موزه آستان قدس مشهد نگهداری می‌شود.

بسیاری از تاریخ‌دانان حوزه علم، به‌ویژه طب دوران اسلامی بر این باورند که نسخه آستان قدس جزء مهم‌ترین نسخه‌های الحشایش با ترجمه مهران‌بن‌منصور در تمدن اسلامی است. نگارنده، نسخه آستان قدس را منبع مستقیم یا غیرمستقیم استنساخ تعدادی دیگر از نسخه‌های الحشایش در ایران می‌داند. هرچند تعدادی از برگ‌ها از جمله ترقیمه کتاب مفقود شده است، اطلاعات خوبی از راه بررسی نسخه آستان قدس و نسخه‌های بعد از آن که همگی از ترجمه مهران‌بن‌منصور سود برده‌اند، به دست آمده است. مایل هروی (۱۳۷۸: ۴۷۲) در خصوص سرگذشت نسخه آستان قدس معتقد است: «نسخه مشهد در غرب ایران و به‌تعبیری دیگر در شرق جهان اسلام فراهم شده است، اما پس از چند قرن به شرق ایران آورده شده و در مشهد نگهداری شده است. اینکه نسخه مشهد را در چه زمانی به مشهد آورده‌اند و



تصویر ۱. تصویر «وقف‌نامه» در نسخه‌ الحشایش، برگ اول، محفوظ در موزه آستان قدس، مشهد به شماره ۷۰۵۹، احتمالاً قرن هفتم هجری (مأخذ: متن چاپ تصویری نسخه‌ الحشایش دیوسکوریدس «آستان قدس مشهد»)

حضور نسخه آستان قدس و احتمالاً نسخه مجلس، با توجه به وقف اغلب نسخه‌های علمی توسط شاه عباس، در شهر مشهد می‌تواند دلیلی بر شباهت‌های صوری این دو نسخه و نسخه استنساخ‌شده در مشهد، نسخه کاخ گلستان، در اوایل قرن یازدهم هجری باشد.

پس از آنکه محمدباقر حافظ، کاتب نسخه کاخ گلستان، دست‌نویس‌اش را از الحشایش بر پایه نسخه آستان قدس در رمضان (۱۰۳۸ هـ.ق) به پایان رسانید، نسخه او همراه با نسخه آستان قدس در دسترس تصویرساز، ملک حسین و احتمالاً شاگردان، قرار گرفت و او با توجه به نسخه آستان قدس به ترسیم اشکال و کشیدن تصاویر اهتمام ورزید. چون کاتب و تصویرساز نسخه کاخ گلستان هم‌زمان با هم در فراهم‌کردن نسخه کاخ گلستان همکاری نداشته‌اند، از این رو به اعتبار پیوند تصویر با متن علمی کتاب الحشایش، در نسخه مذکور ناهماهنگی‌هایی بروز کرده است، به طوری که در بیشتر موارد در نسخه کاخ گلستان، تصاویر به پایان بحث منتقل شده و به این صورت پیوند دیداری که خواننده در نسخه آستان قدس میان تصویرسازی و متن علمی احساس می‌کند، در نسخه کاخ گلستان وجود ندارد.

تمام تصویرسازی‌های نسخه کاخ گلستان، به قیاس با تصویرسازی نسخه آستان قدس، بسیار هنرمندانه فراهم شده تا جایی که می‌توان تصویرسازی‌های نسخه کاخ گلستان را نمونه‌ای ممتاز از پیوند میان هنر و طبیعت دانست. تصاویر و اشکال نسخه کاخ گلستان در نیمه نخست قرن یازدهم هجری کشیده شده است و پس از فراهم‌شدن تصاویر، نسخه کاخ گلستان همراه نسخه آستان قدس در اختیار محمدباقر حافظ قرارگرفته تا توضیحات مربوط به تصاویر و اشکال را کتابت کند. ضمن بررسی ارتباط سه نسخه آستان قدس، کاخ گلستان و سن‌پترزبورگ می‌توان گفت که تصویرسازی نسخه کاخ گلستان در خراسان، یعنی مشهد، در قلمرو حکمرانی منوچهرخان بیگلربیگی و در حوزه کار محمدباقر حافظ، فراهم شده باشد. به عقیده احمد منشی قمی رونق نسخه‌نویسی و نسخه‌آرایی در مشهد که با سکنی‌گزیدن عده‌ای از تصویرگران، جدول‌کشان و خوشنویسان هرات در مشهد، در قرن دهم هجری، به اوج خود رسید (۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۴۱)، از جمله دلایل فراهم‌آمدن چنین نسخه شاهانه‌ای در کارگاه منوچهرخان (در مشهد) بوده است. از مواردی که بر کپی بودن نسخه کاخ گلستان از نسخه آستان قدس تأکید می‌کند، همانندی‌های خالی در کتابت نسخه‌های یاد شده است. بیش از بیست مورد در نسخه آستان قدس هست که از سوی کاتب آن خالی گذاشته شده‌اند، بیشتر این موارد در اوراق پایانی



یازدهم تزیین شده است، ولی برخی از تصاویر گیاهان به طرز شگفت‌آوری متأثر از مکتب تصویرگری هند است. در نسخه الحشایش فراهم شده از متن ترجمه فارسی غیاث‌الدین رضوی، نسخه سن‌پترزبورگ، در اواخر قرن یازدهم می‌توان تأثیرات نسبی از دو نسخه آستان قدس و کاخ گلستان را مشاهده کرد. به نظر می‌رسد تصویرسازی نسخه سن‌پترزبورگ هر دو نسخه آستان قدس و کاخ گلستان را مشاهده کرده است. مایل هروی معتقد است که پیوند نسخه سن‌پترزبورگ به لحاظ تصویرسازی با نسخه آستان قدس بیشتر است تا با نسخه کاخ گلستان (همان: ۵۰).

نکته شایسته تأمل، وجود تفاوتی آشکار میان شیوه و فرم‌های تصویرسازی شده در دو نسخه کاخ گلستان و سن‌پترزبورگ است که تقریباً هم‌زمان، با فاصله زمانی حدود ۳۰ سال، فراهم شده‌اند. آن‌چنان‌که نسخه کاخ گلستان به شیوه و مکتب هنری مشهد قرن یازدهم تصویرسازی شده و نسخه سن‌پترزبورگ به شیوه مکتب هنری اصفهان.

نگارنده وجود دو مکتب هنری متفاوت در بازتولید دو نسخه الحشایش را فاصله جغرافیایی محل استنساخ یا تفاوت مراکزی می‌داند که هنرمندان هر یک از نسخه‌ها در آن پرورش یافته‌اند. هنرمند نسخه کاخ گلستان در کارگاه مشهد و به تأثیر مکتب هنری هرات و گورکانیان هند بوده و این در حالی است که هنرمند نسخه سن‌پترزبورگ آموزش دیده مکتب هنری اصفهان است. بر این قرار، احتمالی هرچند اندک وجود دارد که نسخه سن‌پترزبورگ از روی نسخه کاخ گلستان و در پایتخت صفویان فراهم آمده یا هنرمندانی از مکتب هنری اصفهان آن را در مشهد از روی دو نسخه آستان قدس و کاخ گلستان تصویرسازی کرده باشند.

به نظر می‌رسد جهت تحلیل بهتر تأثیرات صوری نسخه آستان قدس بر نسخه‌های عهد صفوی بررسی چهار نمونه از کتاب الحشایش در نسخه‌های متعدد خالی از فایده نباشد. بر این قرار نگارنده نمونه‌های موردی را به همراه تعدادی بیشتر از تصاویر در جدولی در پایان مطالب ارائه کرده است تا مصادیق پژوهشی در تصاویر بررسی شود.

## ایرسا

«ریشه گیاهی است که نمای برگ‌های آن همچون برگ‌های سوسن دشتی است، اما درازا و پهنای بیشتری دارد. شکوفه‌های آن هم مانند شکوفه‌های سوسن دشتی و رنگ آنها آبی آسمان‌گون یا همچون رنگین‌کمان

غیاث‌الدین رضوی که از فضایی مشهد بود، در پایان ترجمه‌اش در برگ ۱۷۰ خود را «تراب عتبه مرتضوی» خواند: «تمام شد این کتاب الحشایش که اصل او حکیم دیسقوریدس به یونانی جمع نموده و از آن به سریانی نقل شد و از سریانی در زمان یکی از ملوک فارس به عربی نقل شده است و تراب عتبه مرتضوی غیاث‌الدین رضوی به فارسی نقل نموده است.» (مایل هروی، ۱۳۷۸: ۵۰۱) ترجمه نسخه فارسی الحشایش در زمانی نزدیک به روزگار فراهم شدن نسخه کاخ گلستان انجام شده است و این نکته‌ای است که پیوند آن را به نسخه‌های آستان قدس و کاخ گلستان تأیید می‌کند، به‌ویژه که به لحاظ حوزه جغرافیایی نیز این پیوند تأیید می‌شود، به طوری که هم دو نسخه آستان قدس و کاخ گلستان در مشهد بوده و هم مترجم فارسی در مشهد می‌زیسته است.

مایل هروی معتقد است که نسخه کاخ گلستان که در زمرة اموال منوچهرخان از خاندان شاه عباس صفوی بوده، بعد از مرگ منوچهرخان به پایتخت منتقل شده و از آن طریق در عصر قاجار به کتابخانه سلطنتی آنان در تهران رسیده است (همان: ۴۷۶).

ترجمه فارسی کتاب الحشایش از غیاث‌الدین محمد رضوی است که احتمالاً در زمان سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هجری) انجام گرفته و نسخه مصور رنگین آن به شماره ۱۴۳ در کتابخانه انستیتوی مطالعات شرقی فرهنگستان علوم روسیه، شعبه سن‌پترزبورگ نگهداری می‌شود (دیوسکوریدس، ۱۳۸۳، مقدمه اصفهانی، ۱۶-۱۵).

این نسخه را کاتبی ناشناس از روی کتاب الحشایش در جمادی‌الثانی (۱۰۶۸ هجری) استنساخ کرده و شامل ۴۹۰ تصویر رنگی است. میکروفیلم تصاویر نسخه الحشایش سن‌پترزبورگ به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه ثبت و به شماره ۴۳۱۳ در بخش میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

براساس یادداشتی در صفحه اول سمت راست، تاریخ سوم جمادی‌الاول (۱۱۱۴ ه.ق)، چهار صفحه از این دست‌نویس مفقود شده است. در یادداشت دیگری در این نسخه نیز به مالکیت این نسخه توسط محمدولی قاجار در خراسان اشاره شده است. محمدولی، متولد یکم شوال (۱۲۰۳ ه.ق)، سومین پسر فتح‌علی شاه قاجار است که از طرف پدر به حکومت خراسان منصوب شد (Beschaouch 254: 2009).

گمان می‌رود نسخه سن‌پترزبورگ در اصفهان نسخه‌برداری و ترسیم شده باشد، چراکه فیگورهای انسانی به شیوه مکتب اصفهان در نیمه قرن هفدهم و

است. البته باید دانست که سوسن دشتی به رنگ‌های گوناگونی همچون سفید، زرد و کبود یافت می‌شود و تنها، ریشه سوسن آسمان‌گون را ایرسا می‌نامند. بهترین گونه ایرسا آن است که سخت و پرمایه باشد، سوراخ‌دار و میان‌تهی نباشد، سراسر آن گره‌دار، خوشبو و همچون گونه‌ای باشد که در مقدونیه و ایلوریقی، گردآوری می‌شود؛ زیرا این‌گونه از ایرسا، پرمایه، توپر و سفت است و ساییدن، شکستن یا جدا کردن لایه‌های آن، دشوار است. افزون بر ویژگی‌های یادشده، باید گونه‌ای از ایرسا را برگزید که رنگ آن به سرخی روشن و درخشان گرایش داشته، بوی خوشی از آن برخیزد. ویژگی‌های دارویی: همه گونه‌های ایرسا، گرمی‌زا و لطیف‌کننده هستند.» (دیوسقوریدس، ۱۳۹۱: ۵۵ / ۱)

بر طبق متن علمی، گیاه سوسنی را ایرسا می‌نامند که شکوفه آن به رنگ آبی (لاجوردی) باشد. این رنگ در نسخه آستان قدس، مجلس در نمایش ایرسا به‌کار رفته است، ولی در نسخه کاخ گلستان به سرخی تمایل بیشتری دارد که نشانه کیفیت برتر این‌گونه از ایرسا است و در متن، البته به‌صورت کلی، بر آن تأکید شده است. (جدول ۱)

جدول ۱: تصاویر ایرسا در نسخه الحشایش آستان قدس و سه نسخه عهد صفوی (منبع: نگارنده)	
	
<p>ب. تصویر گیاه «ایرسا» در نسخه الحشایش، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، به شماره ۸۹۳۰۵، احتمالاً قرن نهم و دهم هجری (مأخذ: کپی تصاویر دریافتی از کتابخانه مجلس از تمام صفحات نسخه)</p>	<p>الف. تصویر گیاه «ایرسا» در نسخه الحشایش، محفوظ در موزه آستان قدس، مشهد به شماره ۷۰۵۹، احتمالاً قرن ششم هجری. (مأخذ: متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسقوریدس «آستان قدس مشهد»)</p>
	
<p>د. تصویر «ایرسا» در نسخه الحشایش، پایین صفحه، محفوظ در کتابخانه انستیتوی مطالعات شرقی فرهنگستان علوم روسیه، شعبه سن پترزبورگ، به شماره ۱۴۳، اواخر قرن ۱۱ هـ. (مأخذ: میکروفیلم شماره ۴۳۱۳ مخزن نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران)</p>	<p>ج. تصویر گیاه «ایرسا» در نسخه الحشایش، برگ ۲۴ پشت، محفوظ در کاخ گلستان به شماره ۲۲۵۱، قرن یازدهم هجری. (مأخذ: متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسقوریدس «کاخ گلستان»)</p>



تصویرسازی گیاه ایرسا در نسخه سن پترزبورگ بسیار ماهرانه است، ولی تصویرساز در ترکیب عناصر بصری پا را فراتر گذاشته و با اضافه کردن پروانه حس و حال خاصی به صحنه‌ای علمی داده است. این نوع شیوه برخورد در هیچ یک از نسخه‌های الحشایش مشاهده نمی‌شود؛ چراکه در این نسخه‌ها سعی بر آن شده که تمامی اجزای تصویر مطابق متن دیوسکوریدس تصویرسازی شوند.

نکته دیگر آنکه در تمامی نسخه‌های الحشایش، در این پژوهش، گیاه ایرسا جزء اولین نمونه‌های بررسی شده است. فرم شکوفه‌های گیاه در دو نسخه آستان قدس و مجلس که بی‌گمان منبع استنساخ نسخه کاخ گلستان به شمار می‌روند، نوک تیز و در هم تنیده طراحی شده‌اند و حال آنکه در نسخه کاخ گلستان شکوفه ایرسا منعطف با نوکی منحنی ترسیم شده که در کنار تغییر شکل جوانه مرکزی از حالت سه پر به یک پر تغییراتی ساختاری در طراحی گیاه ایجاد کرده است. این تفاوت‌ها دو چندان می‌شود، آنجایی که تصویرساز نسخه کاخ گلستان شاخه‌ای در سمت راست گیاه به همراه جوانه اضافه کرده است. در قسمت ریشه گیاه نیز تفاوت رنگی نسخه کاخ گلستان با نسخه‌های پیشین توجه مخاطب را به این قسمت جلب می‌کند، چراکه خواص گیاه و نام دارو مربوط به ریشه گیاه است. نکته مهم در نسخه سن پترزبورگ توجه ناکافی تصویرساز در نمایش ریشه گیاه است که احتمالاً از اشراف کم او به متن علمی یا نگاه متفاوت او در تصویرسازی علمی حکایت دارد. به نظر می‌رسد تعهد تصویرساز به متن علمی از مؤلفه‌های اصلی تصویرسازی علمی است که در نسخه سن پترزبورگ کمرنگ شده است. در نسخه کاخ گلستان، طراحی گیاه و نحوه نمایش برگ‌ها با پرداز، به صورت توده‌های بافت‌دار، از دید قوی و فکر لطیف و زیبای تصویرساز خبر می‌دهد. استفاده از پرداز در ایجاد این گیاه نمونه زیبایی از نورپردازی است. تاریکی‌های انتهای برگ‌ها و نور نوک برگ‌ها، تاریکی در اجزا و شکاف‌ها، نمونه‌های بارزی از نورپردازی در این اثر است. استفاده از خط با تندی و کندی آن، برای نمایش پیچیدگی‌های گیاه، نشانه مهارت در اجرای این طرح است.

## بطباط

«این گیاه که به زبان یونانی به نام‌های گوناگونی شناخته می‌شود و نیازی به یادآوری آنها نیست، دارای ساقه‌های فراوان باریک و نرمی است که همچون ساقه‌های گیاه ثیل بر روی زمین گسترده شده و گره‌های زیادی دارند. برگ‌های این گیاه همچون برگ‌های

سذلب بوده اما اندکی درازتر و نرم‌ترند و برکنار هر برگ، یک دانه یافت می‌شود که بر پایه همین ویژگی، آن را به نام گونه نر می‌شناسند. گل‌های این گیاه سفید و یا بنفش می‌باشد. برگ‌های این گیاه، قبض‌کننده هستند، افشره آنها برای درمان دفع اخلاط خونی از دهان سودمند بوده، ترشحات ناهنجار دستگاه گوارش را هم بند می‌آورد، برای درمان دفع ادرار چکه‌چکه‌ای سودمند است.» (دیوسکوریدس، ۱۳۹۱، ۴/۷-۶)

نکته‌ای که بررسی گیاه بطباط را اهمیت می‌بخشد، زاویه دید از بالا در تصویرسازی گیاه در نسخه آستان قدس است. از آنجایی که در اکثر تصاویر موجود از کتاب الحشایش زاویه دید از روبه‌رو است، این تغییر ناگهانی و نگاه از بالا نقش به‌سزایی در جذابیت صوری کتاب ایفا کرده است و به نوعی حس گسترده شدن گیاه بر روی زمین را القا می‌کند و این قابلیت همان چیزی است که در تصویرسازی این گیاه در نسخه کاخ گلستان و سن پترزبورگ دیده می‌شود. هنرمند مسلمان از طریق به‌کارگیری علم ریاضیات و همچنین ساده‌سازی عناصر طبیعی، نگاه متفاوتش را به جهان پیرامون نشان داده است. هرچند این شائبه وجود دارد که ساده‌سازی، راهی است برای پوشاندن ضعف‌های هنرمند مسلمان در طراحی واقع‌گرا از طبیعت.

فرم ستاره‌ای گیاه بطباط از طریق تقارن در پنج محور شکل گرفته است. هرچند وجود تقارن در اکثر تصاویر گیاهی و برخی جانوران، بین دو گونه از یک نوع یا جانور نر و ماده، دیده می‌شود، ولی فقط در یک محور اتفاق افتاده است. گفتنی است، نظم و دقتی در طراحی صورت نگرفته است. نسخه آستان قدس یکی از دقیق‌ترین و زیباترین فرم‌های اسلیمی حاصل از تقارن چندمحوری گیاه بطباط است. هرچند نسخه سن پترزبورگ و کاخ گلستان همین مسیر را طی کرده‌اند، در جزئیات و همچنین فرم ستاره در مرکز اختلافاتی دیده می‌شود که حاصل اختلاف سلیقه تصویرگران است. در نسخه سن پترزبورگ همانند نسخه علمی هم‌عصر خود، تقارن گیاه در چهار محور تکرار شده است، با این تفاوت که فرم ستاره‌مانند گیاه در مرکز به دلیل حدود کادر مدنظر، با حرکت به سمت بیرون تبدیل به فرم مربع شده است.

## بلسان

ترجمه فارسی محمد طباطبایی از ترجمه عربی مهران‌بن منصور از کتاب الحشایش (دیوسکوریدس) درخصوص گیاه بلسان: «بزرگی و اندازه این درخت، همانند درخت مراره الفیل یعنی فیلزهرج می‌باشد. اما برگ‌های

سذاب داشته، رنگ آنها گرایش بیشتری به سفیدی دارد و زیباترند. تنها رویشگاه این درخت، دشت کم‌دامنه‌ای در سرزمین یهود می‌باشد. نهال‌های این گیاه از نظر بلندی، ستبری و نازکی شاخه‌ها، ناهمگن بوده، کوچک‌ترین گونه آن را که دارای شاخه‌های باریک و نازکی است به نام نهال کوچک درویده می‌نامند؛ زیرا باتوجه به کوچکی و نازکی شاخه‌ها و تنه درخت، اندام‌های آن، به آسانی چیده و گردآوری می‌شوند. اما شیرابه بلسان، هنگام برآمدن ستاره کلب جبار، این چنین به دست می‌آید که پوست درخت بلسان را با نیشتری آهنین می‌شکافند و شیرابه‌ای را که اندک‌اندک بیرون می‌آید و هر ساله بیش از شش تا هفت کوزه نیست، گردآوری می‌کنند و همان‌جا به بهای دو برابر سنگینی آن از طلا می‌فروشند. بهترین شاخه‌های درخت بلسان آن است که تازه، باریک و نازک، ناهموار، به رنگ سرخ آذرگون و خوشبو باشد و بوی روغن بلسان از آن برخیزد. روغن بلسان گرمی‌زای نیرومندی است، چشم‌ها را پاک و بینایی را نیرومند می‌سازد.» (دیوسکوریدس، ۱۳۹۱، ۱ / ۹۲-۸۹)

در تصویر بلسان از نسخه الحشایش کاخ گلستان تعاملات هنری بین ایران و هند به چشم می‌خورد (شکل ۳-۱) هر چند روح حاکم بر این نگاره کاملاً ایرانی است. هنرمند نسخه کاخ گلستان همچنان خود را در کپی‌برداری از نسخه‌های پیشین الحشایش از جمله نسخه آستان قدس متعهد می‌داند و به ناگزیر این ویژگی‌های هنر هندی از طریق نسخه منبع منتقل شده است. اگرچه شرایط حاکم بر آن دوره و روابط حسنه سیاسی و فرهنگی بین ایران و هند در انتقال فرم‌های هندی بی‌تأثیر نبوده است. فرم گیسوان مرد نشسته (شکل ۷)، تیرگی پوست بدن و نوع پوشش فیگورهای انسانی، از جمله تأثیرات هنر هندی است.



تصویر ۷. تصویر «گرفتن شیرۀ درخت بلسان» و تصویر بزرگنمایی‌شده از فرد نشسته در سمت چپ در نسخه الحشایش، برگ ۳۲ پشت، محفوظ در کاخ گلستان به شماره ۲۲۵۱، قرن یازدهم هجری (مأخذ: متن چاپ تصویری نسخه الحشایش دیوسکوریدس «کاخ گلستان»)

از نکات توجه‌برانگیز در ترکیب‌بندی عناصر بصری در صفحه، استفاده مناسب و خلاقانه از نوارحاشیه پایین صفحه جهت قراردادن ظرف ذخیره صمغ گیاه بلسان است. در تمامی نسخه‌های ارائه‌شده در این پژوهش، افراد، بین دو درخت بلسان جای گرفته‌اند. هنرمند نسخه کاخ گلستان از طریق جابه‌جا کردن مرد نشسته، از سمت راست درخت به سمت چپ، سلیقه خود را در صفحه‌آرایی کتاب به خوبی نشان داده است.

در این تصویر، قسمت‌هایی از بدن با خط قلم‌گیری شده که نقاط قوت و قدرت است؛ شانه‌ها، آرنج، زانوها، ساعد

و کپل. خطوط، زمانی که در لباس حرکت می‌کنند، محو می‌شوند. در قلم‌گیری چروک لباس از تندی و کندی استفاده شده است. به این صورت که برای لبه چروک لباس از خط کلفت استفاده شده و سپس خط، نازک شده و محو می‌شود. در تصویرگری این دوره، صورت‌ها فرم گرد و سه‌رخ دارد که با چشمان بازتر نسبت به مکاتب قبلی کار شده است. صورت، پشت بینی، گونه‌ها، پشت چشم‌ها و زیر لب، اندک پردازش خورده و سعی شده ضمن داشتن احساس آرامش در چهره، ویژگی‌های سنی چهره نمایان و صورت حجم‌پردازی شود.

پرداز ماهرانه با رنگ‌های تیره در صورت و دست‌ها، قلم‌گیری دقیق در خطوط بیرونی و درونی، نشان‌دادن چین و چروک لباس با خطوط موازی و استفاده مناسب از خطوط کند و تند، از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این نسخه نسبت به دیگر نسخه‌ها است. هنرمند در تصویرسازی درخت بلسان، کم‌وبیش راه پیشینیان را رفته و ابتکار کمتری به خرج داده است. در بررسی نسخه ناقص مجلس، می‌توان به شباهت کامل و بی‌کم‌وکاست تصویرسازی «گرفتن شیره از درخت بلسان» در این نسخه و نسخه آستان قدس پی برد. با توجه به ویژگی‌های فیزیکی و تکنیکی نسخه مجلس که متأخرتر از نسخه آستان قدس به نظر می‌رسد، می‌توان چنین استنباط کرد که نسخه مجلس از روی نسخه آستان قدس کار شده است.

## اقاقیا

«این درختچه که در کشور مصر می‌روید، خاردار است و خیلی بلند یا کوتاه نیست، شاخه‌های راست و ایستاده‌ای ندارد، گل‌های سفید و میوه‌هایی همچون ترس سفیدرنگ دارد که درون پوشینه جای دارند. اقاقیا، از نظر ویژگی دارویی، قبض‌کننده و سردکننده است و افزون بر اینکه برخی از داروهای چشم را با آن می‌آمیزند، برای ساختن داروهای بهبوددهنده ماسرا، نمله، کبودی پدیدآمده از سرمازدگی اندام‌ها، گوشت نابه‌جای کنار ناخن‌ها، زخم‌های دهان و فیستول گوشه فراخ چشم به‌کار می‌رود. اما صمغی که از این درختچه خاردار به دست می‌آید، بهترین‌اش آن است که نمایی همچون کرم داشته، رنگ آن درخشان همچون آبگینه باشد.» (دیوسقوریدس، ۱۳۹۱، ۱/ ۲۲۳-۲۲۰)













به نظر می‌رسد تصویرسازی درختچه اقاقیا در نسخه کاخ گلستان از روی نسخه آستان قدس کار شده است. هنرمند در این اثر سعی کرده تمام اجزای گیاه را بی‌کم‌وکاست از روی متن علمی تصویرسازی کند. بر

این قرار محدودیت‌هایی در اعمال سلیقه هنرمندان وجود داشته است و تصویر گیاه عجیب به نظر می‌رسد. هنرمند سعی کرده از طریق ایده‌های خلاقانه در حوزه ترکیب‌بندی و صفحه‌آرایی برای اثر خود جذابیت ایجاد کند. بده‌بستان متن علمی و تصویر گیاه در صفحه، طریقه ورود تصویر درختچه به گستره تعیین شده، محل قرارگرفتن ریشه‌ها زیر حاشیه قسمت پایین صفحه که گویی ریشه‌ها در درون زمین قرار گرفته‌اند، همه از مواردی هستند که جذابیت صوری اثر را افزایش داده‌اند.

تصویر صمغ تهیه‌شده از گیاه افاقیا در پایین صفحه هر دو نسخه آستان قدس و کاخ گلستان دیده می‌شود. در اکثر نسخه‌های الحشایش، هنرمندان، گیاهان صمغ‌دار را همراه ظروف تصویرسازی کرده‌اند. این ظروف نحوه نگه‌داری صمغ حاصل از گیاه را نشان می‌دهند. درخصوص درختچه افاقیا با توجه به توضیح دیوسقوریدس درباره شکل ظاهری صمغ، هنرمند آن را به صورت کرمی در خود پیچیده در پایین ریشه گیاه، تصویرسازی کرده است.

در نسخه کاخ گلستان، به دلیل کوچک بودن فضای پیش‌بینی شده برای درختچه در صفحه و لزوم تصویرکردن ریشه، ساقه و برگ‌ها، تصویرگر احساس کرده اگر تمام اجزای گیاه را در فضای مدنظر لحاظ کند، درخت کوچک می‌شود. بر این قرار، ترجیح داده است از فضای مرکزی فقط برای تصویرکردن برگ‌ها استفاده کند و ریشه و ساقه را خارج از کادر تعیین‌شده، تصویر کرده است. چنین فرایندی در نمونه‌های دیگری از گیاهان نسخه کاخ گلستان نسبت به سایر نسخه‌های این کتاب محسوب می‌شود. در هیچ‌یک از نسخه‌های مطالعه‌شده چنین رابطه بصری بین متن و تصویر صورت نگرفته است. در نسخه آستان قدس، کمبود فضا از طریق کج‌کردن و ازگونی گیاهان، مرتفع شده، چراکه قطر یک مربع به نسبت ۱/۳ واحد بزرگ‌تر از اضلاع است. البته بخشی از گیاهان در نسخه آستان قدس در مرحله صحافی برش خورده‌اند.

کمبود فضای اثر در نسخه سن‌پترزبورگ از طریق پُرکردن تمام فضای داخل کادر قابل مشاهده است. هنرمند از کمترین امکان به منظور نشان‌دادن تمام اجزای گیاه استفاده کرده و چنانچه جای خالی دیگری یافته، با استفاده از تصویر گیاهان نامشخص پُر کرده است. نداشتن تقارن درخت از ویژگی‌های این تصویرسازی است.

جدول ۲: تصاویر برخی از گیاهان کتاب الحشایش در نسخه آستان قدس ( قرن ۶ ) و سه نسخه عهد صفوی (منبع: نگارنده)				
نام تصویر	نسخه الحشایش آستان قدس (قرن هفتم)	نسخه الحشایش مجلس (قرن دهم)	نسخه الحشایش کاخ گلستان (اوایل قرن یازدهم)	نسخه الحشایش سن پترزبورگ (اواخر قرن یازدهم)
ایرسا				
قسط				
اذخر				
بیلسان				

				<p>روباه</p>
				<p>خشخاش</p>
				<p>اقاقیا</p>
				<p>سلجم ، شلغم ، لفت</p>
				<p>بطباط</p>

## نتیجه‌گیری

این پژوهش، توجه و اهتمام انسان عصر صفوی به اندوخته‌های دانش پزشکی و مفردات دارویی خود را در بازتولید دست‌کم سه نسخه شاهانه از الحشایش دیوسکوریدس در این دوران نشان می‌دهد. بسیاری از حکما و دانشمندان اسلامی کتاب الحشایش را به‌عنوان مرجعی مطمئن در آثار خود استفاده کرده‌اند. این کتاب بارها در تمدن اسلامی ترجمه و استنساخ شده است. تأثیرگذارترین ترجمه از کتاب دیوسکوریدس در ایران نسخه الحشایش آستان قدس از آن مه‌رانب‌منصور است، این ترجمه منبع استنساخ بسیاری از نسخه‌های الحشایش در تمدن اسلامی است. به نظر می‌رسد، کتابت و تصویرسازی تمامی نسخه‌های الحشایش عهد صفوی، نسخه مجلس شورای اسلامی، کاخ گلستان و سن‌پترزبورگ، از روی نسخه آستان قدس انجام شده باشد. تقارن در کنار ساختار منسجم نگاره‌ها حکایت از هندسه زیربنایی دقیقی در تصویرسازی نسخه الحشایش دارد. ترکیب‌بندی‌های آثار به تبع تغییر در موضوع، گستره و ساختار نگاره با تغییر همراه است و خطوط رهنمون‌گر اغلب به‌گونه‌ای قرار گرفته‌اند که یک نظام تک‌کانونی و گاه بر مبنای خطوط شعاعی و شکل لوزی را به‌صورت تک‌پلانی در صفحه به نمایش گذاشته است. استنساخ نسخه مجلس در قرن دهم و یازدهم، احتمالاً در دوره شاه طهماسب اول، نسخه کاخ گلستان در قرن یازدهم، دوره شاه عباس اول، و نسخه سن‌پترزبورگ در اواخر قرن یازدهم، دوره شاه عباس دوم، از جمله نسخه‌های فراهم‌شده از کتاب الحشایش دیوسکوریدس در عهد صفویه است. به نظر می‌رسد نسخه آستان قدس به‌عنوان قدیمی‌ترین نسخه ترجمه مه‌رانب، منبع تمامی نسخه‌های عهد صفوی باشد. کپی بی‌کم‌وکاست صفحات باقی‌مانده نسخه مجلس از نسخه آستان قدس تأییدی بر این مدعا است. از نسخه مجلس فقط ۱۸ صفحه وجود دارد. بررسی‌های تاریخی و نسخه‌شناسانه در کنار شباهت‌های صوری این فرضیه را اثبات می‌کند. تصویرسازی نسخه مجلس تعهد خود را در استنساخ دقیق از نسخه آستان قدس دانسته و مسیری مشابه پیشینیان در پیش گرفته است؛ هرچند مهارت در طراحی و استفاده از رنگ‌های پیچیده از ویژگی‌های تصویرسازی نسخه الحشایش مجلس است. بر پایه مستندات و بررسی تصاویر نسخه کاخ گلستان از روی نسخه آستان قدس کتابت و تصویرسازی شده است. کاتب نسخه الحشایش

متن نوشتاری در نسخه آستان قدس را بی‌کم‌وکاست کپی کرده است. محمدباقر الحافظ، کاتب نسخه کاخ گلستان، حتی در انتقال جاهای خالی نوشتار نسخه آستان قدس به نسخه کاخ گلستان دقت کرده است. تصویرسازی‌های کاخ گلستان ضمن تعهد به متن علمی و تصویرسازی‌های نسخه آستان قدس در بسیاری موارد خلایق و مهارت خود را در بازآفرینی محیط اطراف به رخ کشیده و تغییراتی اندک را ایجاد کرده است. ظرافت و اهتمام در طراحی و توجه بیشتر به قسمت‌های اشاره‌شده در متن علمی، آنجایی‌که از تمامی امکانات بصری در جلب توجه مخاطب استفاده کرده است، حکایت از آشنایی تصویرسازی با متن می‌کند. ترکیب‌بندی‌های متنوع و چیدمان مناسب همچون درخت افاقیا سبب فراهم‌آمدن نسخه‌ای فاخر از الحشایش در عهد صفوی شده است. حضور نسخه آستان قدس، هنگام فراهم‌آمدن نسخه کاخ گلستان در شهر مشهد و همچنین افتادگی برخی صفحات نسخه آستان قدس در کنار قدمت آن، دلایل دیگری بر این نتیجه‌گیری است که منبع استنساخ نسخه کاخ گلستان، نسخه آستان قدس است. نسخه سن‌پترزبورگ در فاصله زمانی اندک، بعد از نسخه کاخ گلستان فراهم آمده است. شیوه اجرا و فرم‌ها در این نسخه شباهت شایان تأملی به مکتب هنری اصفهان عهد صفوی دارد. هنرمند نسخه سن‌پترزبورگ ضمن تأثیرپذیری فراوان از نسخه آستان قدس و کاخ گلستان ارادت چندانی به متن علمی نشان نمی‌دهد. او که مسیری متفاوت از پیشینیان در پیش گرفته، بیشتر سلیقه زیبایی‌شناسی انسان عهد صفوی را نمایندگی می‌کند. نگاه تزئینی و ترکیب‌بندی‌های یک‌دست تفاوت‌های صوری آشکار بین نسخه سن‌پترزبورگ و نسخه کاخ گلستان را نشان می‌دهد و حکایت از تفاوت در اصول تصویرسازی علمی دو مکتب اصفهان و مشهد عهد صفوی دارد.

جدول ۳: شباهت‌ها و تفاوت‌های صوری نسخه‌ الحشایش آستان قدس (قرن ۶) با سه نسخه‌ الحشایش عهد صفوی (منبع: نگارنده)		
تفاوت	شباهت	نسخه‌های الحشایش عهد صفوی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جدول‌کشی</li> <li>- دورگیری دقیق‌تر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کپی بی‌کم‌وکاست در طراحی و ترکیب‌بندی نمونه‌های گیاهی و انسانی</li> <li>- رنگ‌آمیزی یکسان با کمی تفاوت که احتمالاً بر اثر مرور زمان ایجاد شده است.</li> <li>- جاگذاری یکسان نمونه‌ها در صفحه</li> <li>- کتابت یکسان</li> </ul>	نسخه‌ الحشایش مجلس (قرن ۱۰)
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جدول‌کشی</li> <li>- دورگیری و پرداز دقیق</li> <li>- رنگ‌آمیزی متفاوت برخی نمونه‌ها</li> <li>- جاگذاری متفاوت بسیاری از نمونه‌ها در صفحه</li> <li>- طراحی برخی از نمونه‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کپی‌برداری در اغلب نمونه‌های گیاهی و جانوری و انسانی</li> <li>- رنگ‌آمیزی مشابه در تعداد اندکی از نمونه‌ها</li> <li>- جاگذاری مشابه در برخی از نمونه‌ها در صفحه</li> <li>- کتابت یکسان</li> </ul>	نسخه‌ الحشایش کاخ گلستان (قرن ۱۱)
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جدول‌کشی</li> <li>- جاگذاری متفاوت نمونه‌ها در صفحه</li> <li>- ترکیب‌بندی متفاوت نمونه‌ها</li> <li>- طراحی در اغلب موارد</li> <li>- رابطه‌ اندک بین متن و تصویر در برخی از نمونه‌ها</li> <li>- کتابت فارسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کپی‌برداری در تعداد اندکی از نمونه به خصوص موارد ناآشنا</li> </ul>	نسخه‌ الحشایش سن پترزبورگ (قرن ۱۲)

در پایان براساس جدول ۳ می‌توان به این نتیجه رسید که گذر زمان باعث ایجاد تفاوت‌هایی آشکار در استنساخ نسخه‌های عهد صفوی از نسخه‌های اولیه شده است. آن‌چنان‌که تصویرگران به مرور تغییراتی اندک در برخی نمونه‌ها ایجاد کرده‌اند و درنهایت از مبانی اصلی تصویرسازی علمی فاصله گرفته‌اند. هرچند نسخه‌ مجلس (قرن ۱۰) در نمونه‌های به‌جامانده، دارای بیشترین شباهت صوری با نسخه‌ آستان قدس (قرن ۶ و ۷) است؛ این شباهت‌ها در نسخه‌ کاخ گلستان (قرن ۱۱) اندک شده و درنهایت در نسخه‌ سن پترزبورگ (قرن ۱۲) به حداقل خود می‌رسد و جای خود را به تزییناتی می‌دهد که ارتباط چندانی با متن علمی ندارد.

## منابع

- اعلم، هوشنگ (۱۳۸۳) *الحشایش*. «مقدمه» در تصویر نسخه الحشایش / دیوسکوریدس (دیوسکوریدس)، «نسخه کاخ گلستان»، ترجمه مهرا بن منصور بن مهرا، تهران: موزه ملی تاریخ علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران.
- دیوسکوریدس، پدانیوس (۱۳۹۱) *الحشایش*، ترجمه مهرا بن منصور بن مهرا، با مقدمه غلامعلی عرفانیان، به کوشش اداره مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- دیوسکوریدس، پدانیوس آنارزی (۱۳۹۱) *دیوسکوریدس (حشایش)*، ترجمه محمود طباطبایی، ۵ جلد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- دیوسکوریدس (۱۳۹۲) *الحشایش: (هیولی الطب فی الحشایش و السموم)*، تألیف پدانیوس دیوسکوریدس عین زربی (متوفی حدود ۹۰ م)، ترجمه عربی از اصطفن بن بسیل، حنین بن اسحاق، اصلاح ابوعبدالله حسین بن ابراهیم بن حسین بن خرشید طبری ناتلی، به کوشش یوسف بیگ باباپور. تهران: سفیر اردهال.
- عرفانیان، غلامعلی (۱۳۷۰) *فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*، جلد ۱۹، کتب طب، مشهد: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- قهرمان، احمد (۱۳۸۴) «تاریخ شناخت گیاهان دارویی»، *کیهان فرهنگی*، شماره ۲۲۵، ۲۹-۲۲.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۸) *سایه به سایه*، دفتر مقاله‌ها و رساله‌های عرفانی، ادبی و کتاب‌شناختی، تهران: گفتار.
- منشی قمی، احمد (۱۳۸۳) *گلستان هنر*، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.

## References:

- Alam, H. (2002). *Al-Hashayesh. "Introduction" in the Image of the Marginal Version / Dioscorides (Dioscorides), "Golestan Palace version"*, (Mehran Ibn Mansour Ibn Mehran, Trans.) Tehran: National Museum of the History of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran. (text in Persian)
- Dioscorides, P. (2012). *Al-Hashayesh*. (Mehran Ibn Ben Mansour Ibn Mehran, trans. Gh. Erfanian, Ed.). Mashhad: Organization of Libraries, Museums, and Documentation Center of Astan Quds Razavi. (text in Persian)
- Dioscorides, P. (2012). *Dioscorides (Hashayesh)*, (M. Tabatabai, Trans.). Tehran University of Medical Sciences. (text in Persian)
- \_\_\_\_\_ (2013). *Al-Hashayesh*. (Istifan Ibn Basil, Hnyn Ibn Ashaq, Abu Abdullah Hussein, Ibn Ibrahim, Ibn Hussein, Ibn Khurshid Tabari Natali, trans.). (Y. Babapur, ed.) Tehran: Safir-e Ardehal. (text in Persian).
- Erfanian, Gh. (1991). List of Books in the Library of the Center and the Center of the Documents of the Holy Qur'an (vol. 19). Mashhad: Astan Quds Razavi, Central Library and Documentation Center. (text in Persian)
- Ghahreman, A. (2002). *History of Medicinal Plants*. Cultural Universe, (225)22-29. (text in Persian)



Kossak, S. (1983). *Indian Court Painting 16<sup>th</sup>-19<sup>th</sup> Century*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

Mayele Heravi, N. (1999). *Saye be Saye*, Office of Mystical articles, Treatises, Literary, and Scholarly Books, Tehran: Sokhan. (text in Persian)

Mazal, O. (1999). *Griechisch-römische Antike*, Akademische Druck- u, Verlagsanstalt.

Monshi Ghomi, A. (2004). *Golestan-e- Honar*. (A. Soheili Khansari, Ed.)Tehran: Manouchehri. (text in Persian)

## Study of the Formal Effects of the Al-Hashayesh Version in Astan Quds on the Illustration of Al-Hashayesh Versions Related to the Safavid Period

### Abstract:

The present article sees part of its mission in introducing a branch of illustration that is known today as a scientific illustration because the coexistence and association of science and art have long been part of the characteristics of the progress of any civilization. The Safavid era, as one of the pioneers of Iranian-Islamic civilization, has undoubtedly taken valuable steps in the field of scientific illustration. The Al-Hashayesh\_the indelible mark of Pedanius Dioscorides, a famous Greek philosopher\_is the major source of Botany, and Zoology in Islam. Many Islamic scholars and scientists have used Al-Hashayesh as a reliable reference book in their works. This book has been in the Islamic civilization, translation, and transcription. The most important is the translation of the book Pedanius Dioscorides for M. Ben Mansour In the sixth century and the governor of Diyarbakir in West Iran. Many historians in the field of science, especially medicine of the Islamic era, believe that the version of Astan Quds is one of the most important manuscripts translated by Mehran Ibn Mansour in Islamic civilization. The author considers the Astan Quds version as a direct or indirect source of reproduction of a number of other versions of Al-Hashish in Iran. Although a number of pages, including the translation of the book, have been lost, good information has been obtained by examining the Astan Quds version and later versions, all of which have benefited from Mehran Ibn Mansour's translation. In the Illustrated version of Astan Quds, some images committed to the version of the source are copied unchanged (and possibly the lack of visual dominance over the animal and plant samples) and some others are drawn according to the visual tastes of the artist. The author of this comparative study has gained historical images in the description and analysis of the results. The version of Mashhad has been provided in the west of Iran i.e. the east of the Islamic world, but after a few centuries, it was brought to the east of Iran and kept in Mashhad. It is not known when the copy of Mashhad was brought to Mashhad and who was responsible for transferring it, but from historical evidence, it can be inferred that the copy was transferred from western Iran to Mashhad during the Safavid period. The Safavids paid attention to medicine and medical content. It is obvious that the transfer of copies such as Al-Hashish Disqorides to the capital or other centers of their rule is obvious. The Al-Hashayesh Ben Mansour bin Mehran Mehran did the



### Abouzar Nasehi

Assistant Professor, Department of Graphics and Illustration, Faculty of Visual Arts, University of Arts Isfahan, Iran. (Corresponding Author).

[a.nasehi@au.ac.ir](mailto:a.nasehi@au.ac.ir)

Date Received: 2020-08-26

Date Accepted: 2021-03-02

1-DOI: 10.22051/pgr.2021.32823.1075

Arabic translation of the Syriac liturgical edition by Hunayn Ibn Ishaq (260-194 AD), which was originally by Pedanius Dioscorides the physician, botanist, and pharmacologist Greek on foods and health and especially simple drugs, mineral, animal and especially plant. In this paper, we try to introduce this version of the exquisite analyzing imagery from the perspective of science and art and its impact on subsequent editions of the special edition of the Safavid era i.e. Al-Hashayesh House, Al-Hashayesh Golestan Palace, and Al-Hashayesh of Petersburg. The most influential translation of Dioscorides' book in Iran is the Al-Hashish version of Astan Quds by Mehran Ibn Mansour, this translation is the source of reproduction of many Al-Hashish versions in Islamic civilization. It seems that all the manuscripts and illustrations of the Safavid era, the version of the Islamic Consultative Assembly, Golestan Palace, and St. Petersburg, were written and illustrated from the copy of Astan Quds. The symmetry along with the coherent structure of the drawings indicates the precise underlying geometry in the illustration of the marginal version. The composition of the works changes as a result of the change in the subject, scope, and structure of the painting, and the guidelines are often arranged in such a way that a monoclonal system, sometimes based on radial lines and rhombus shape, is displayed on the page as a single plan. Reproduction of the Majlis version was done in the 10th and 11th centuries, probably in the period of Shah Tahmasb I; the Golestan Palace version in the 11th century, the period of Shah Abbas I; and the St. Petersburg version in the late 11th century, the period of Shah Abbas II; It seems that the version of Astan Quds, as the oldest version of Mehran's translation, is the source of all the copies of the Safavid era. An unrestricted copy of the remaining pages of the Majlis version of the Astan Quds version confirms this claim. There are only 18 pages of the parliamentary version. Historical and typological studies along with formal similarities prove this hypothesis. The illustrator of the Majlis version considers his commitment to be an exact copy of the Astan Quds version and has taken a similar path to his predecessors; however, the skill in designing and using complex colors is one of the hallmarks of the Majlis al-Hashish version of the illustrator. Based on the documents and

review of the images, the version of Golestan Palace has been written and illustrated from the version of Astan Quds. The author of the Al-Hashaish version has copied the text of the Astan Quds version directly. From the endowment letter of the Mashhad version, it is understood that the Mashhad version was transferred to the Safavid capital during the reign of Shah Tahmasb I and Shah Abbas Safavid dedicated it to the «Holy Astan of Razavi» in (1017 AH) and therefore noticed the reward of this endowment. Mohammad Baqir Al-Hafez, the scribe of the Golestan Palace version, has even been careful in transferring the blanks of the text of the Astan Quds version to the Golestan Palace version. The illustrator of the Golestan Palace version, while committing to the scientific text and illustrations of the Astan Quds version, in many cases has shown his creativity and skill in recreating the surrounding environment and has made small changes. Delicacy and diligence in designing and paying more attention to the parts mentioned in the scientific text, since it has used all visual facilities to attract the audience's attention, indicates the illustrator's familiarity with the text. Various compositions and proper arrangements, such as the acacia tree, have led to the production of lavish versions of al-Hashish in the Safavid era. The presence of Astan Quds' copy when the copy of Golestan Palace was provided in Mashhad and also the fall of some pages of Astan-e-Quds copy along with its antiquity are other reasons for concluding that the source of reproduction of Golestan Palace copy is Astan-e-Quds' copy. The St. Petersburg version was provided shortly after the Golestan Palace version. The method of execution and forms in this version bears a remarkable resemblance to the Isfahan School of Safavid Art. The artist of the St. Petersburg version, while being greatly influenced by the Astan Quds and Golestan Palace versions, does not show much devotion to the scientific text. Taking a different path from his predecessors, he mostly represents the human aesthetic taste of the Safavid era. The decorative look and uniform compositions show the obvious formal differences between the version of St. Petersburg and the version of Golestan Palace and indicate the difference in the principles of scientific illustration of the two schools of Isfahan and Mashhad in the Safavid era. In the end, based on Table 3, it can be concluded that the passage of time has

caused obvious differences in the reproduction of the Safavid versions from the original versions. As illustrators have gradually made little changes to some of the examples, they have ultimately distanced themselves from the basic tenets of scientific illustration. However, the Majlis version (10th century) in the surviving examples bears the most formal resemblance to the Astan Quds version (6th and 7th centuries). These similarities are diminished in the version of Golestan Palace (11th century) and finally reach their minimum in the version of St. Petersburg (12th century) and give way to decorations that have little to do with the scientific text.

**Keywords:** Al-Hashayesh Astan Quds, Pedanius Dioscorides, scientific illustration, Safavid era